



UNIVERSE

2

RATED T+ TEEN PLUS
DCCOMICS.COM

6-ISSUE
MINI-
SERIES

THE BATMAN

WHO LAUGHS...

BEHOLD...
THE GRIM KNIGHT!

SNYDER
JOCK
BARON



RATED **T+** TEEN PLUS
DCCOMICS.COM

THE BATMAN WHO LAUGHS 2 SNYDER • JOCK • BARON

بعد دست
پدرم افتاد
و... همه چیز
متفاوت شد.

اون شب تو کوچه
وقتی اسلحه خودشو
نشون داد، یادم میاد
پدرم دستشو گذاشت
رو سینه ام... انگشتان
دستش مثل یه سری
از دنده های اضافی فضاها
را پر کرد.

وقتی صدای
شلیک رو
شنیدم، فکر کردم
گلوله خوردم.
مطمئن بودم.

ولی قلبم
فقط یک تپش
رو از دست
داده بود.

البته علم هم
این موضوع رو تأیید
کرده. خوشحالی و
شعف نسبت به عواطف
دیگه خون بیشتری
رو از قلب دریافت
می کنه.

وقتی می ترسید برای
محافظت به اون پناه
می برید. نه گلو و دیگر
نواحی حساس
مثل رگ های بیرون
زده یا اعصاب... اینها
جاهایی هستند که
موقع مبارزه هدف می گیرم.

وقتی برای تبدیل
شدن به بتمن در جاهای
مختلف جهان آموزش
می دیدم تعجب کردم
از تعداد فرهنگ هایی
که قلب رو به عنوان
جایگاه خوشبختی
در بدن معرفی
کرده بودند.

داریم از
دستش
می دیم!

اون تپش
فراموش شده...
بعضی وقت ها فکر
می کنم کل زندگیمو
تو اون یه تپش
بودم.

کل حفره رو خون گرفته. لعنتی! حتی اگه این جراحی تو اتاق عمل هم ایجاد شده بود، باز هم احتمال خطر مرگ وجود داشت.

اینجا اتاق عمله آلفرد. ساکشن آلفرد.

امکان نداره...

آلفرد ستکشن. داره از دستت خارج می شه.

...خوب.

اگه مشکلی نداره باید بگم حتی در چنین شرایطی که ای شیطان خندان به شهر وارد شده...

نه.

قربان، نمی تونه دوام بپاره.

میاره.

شما اونو نمی گشتی بروس. همین فشنگش می کنه. انقدر بهش دارو تزریق کردم که اگه به هوش بیاد چیزی نمی بینه و نمی تونه حرکت کنه...

آلفرد.

حداقلش اینه که اگه چند دقیقه قلبش نزنه... اگه اکسیژن به مغزش نرسه... می تونیم زنده نگهش داریم. نمی میره!

می دونم تا چه حدی می خواهی اون بمیره. ولی نمی داری این اتفاق بیفته.

راستش همین الان ما مشکل بزرگتری از جوکر داریم. تنها راه شکست این هیولا... اینه که به اونچه هستیم پایبند باشیم...

...به هر
بهایی که باشه.

بتمنی که می خندد

خانه ای که می خندد بخش ۲

SCOTT SNYDER Writer JOCK Artist
DAVID BARON Colors SAL CIPRIANO Letters JOCK Cover BEN OLIVER Variant Cover
DAVE WIELGOSZ Asst Editor KATIE KUBERT Editor JAMIE S. RICH Group Editor
BATMAN Created by BOB KANE with BILL FINGER



...
باشه.

سرم ها
قربان... چطور
کار می کنند؟

هر چی
پادزهر زهر
جوکر داشتیم... دارم
استفاده می کنم... اگه
این روند رو هر روز
ادامه بدم از
تغییر شکل بمدت
یک هفته یا بیشتر
جلوگیری می شه...



یه هفته؟! قبل از اینکه به
اون... چیز تبدیل بشید؟!
باید متوقفش کنیم
قبل از...

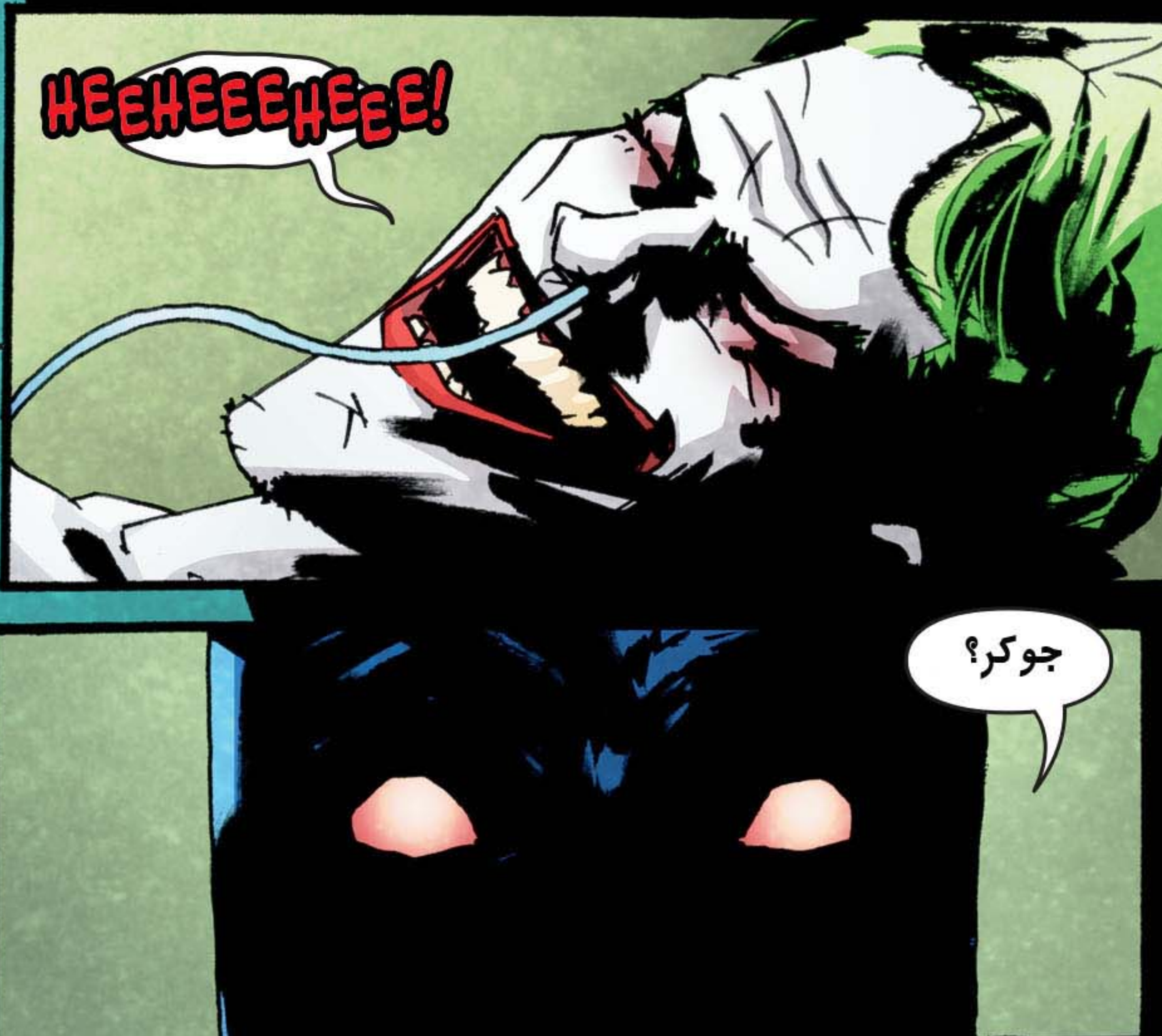
کاری که
تو باید بکنی
اینه که خفه بشی
و حواست به
بیمار باشه.

حالا حواس
@%\$# ت رو جمع
این دلک #&%#
بکن.



...
بیپین، من متأسفم...
فقط... اونی که اونجاست
دیدن خودم به این شکل.
این آخر خطه.

قربان...



HEEEHEEEHEEE!

جوکر؟



یه واکنش
فیزیکی غیرارادیه.
همه تو این وضعیت
بازدم دارند. معنیش
اینه که زنده است.

و... اگر
ما در مورد اینکه
کی هستیم حرف بزنیم
یا... نقاط ضعف شما یا
چیزهایی که نگرانتون
می کنه یا مایه
ضعف شماست...؟

اون همه چیزهایی
که من می دونم می دونه.
هر تجربه ای داشتم اونم
داره و هر کاری می کنه
تا پیروز بشه. اون می بره
آل فرد. اون نقطه
ضعفی نداره...

... باید
راهی برای
شکست دادن
اون باشه! راهی
که بشه
شکست...

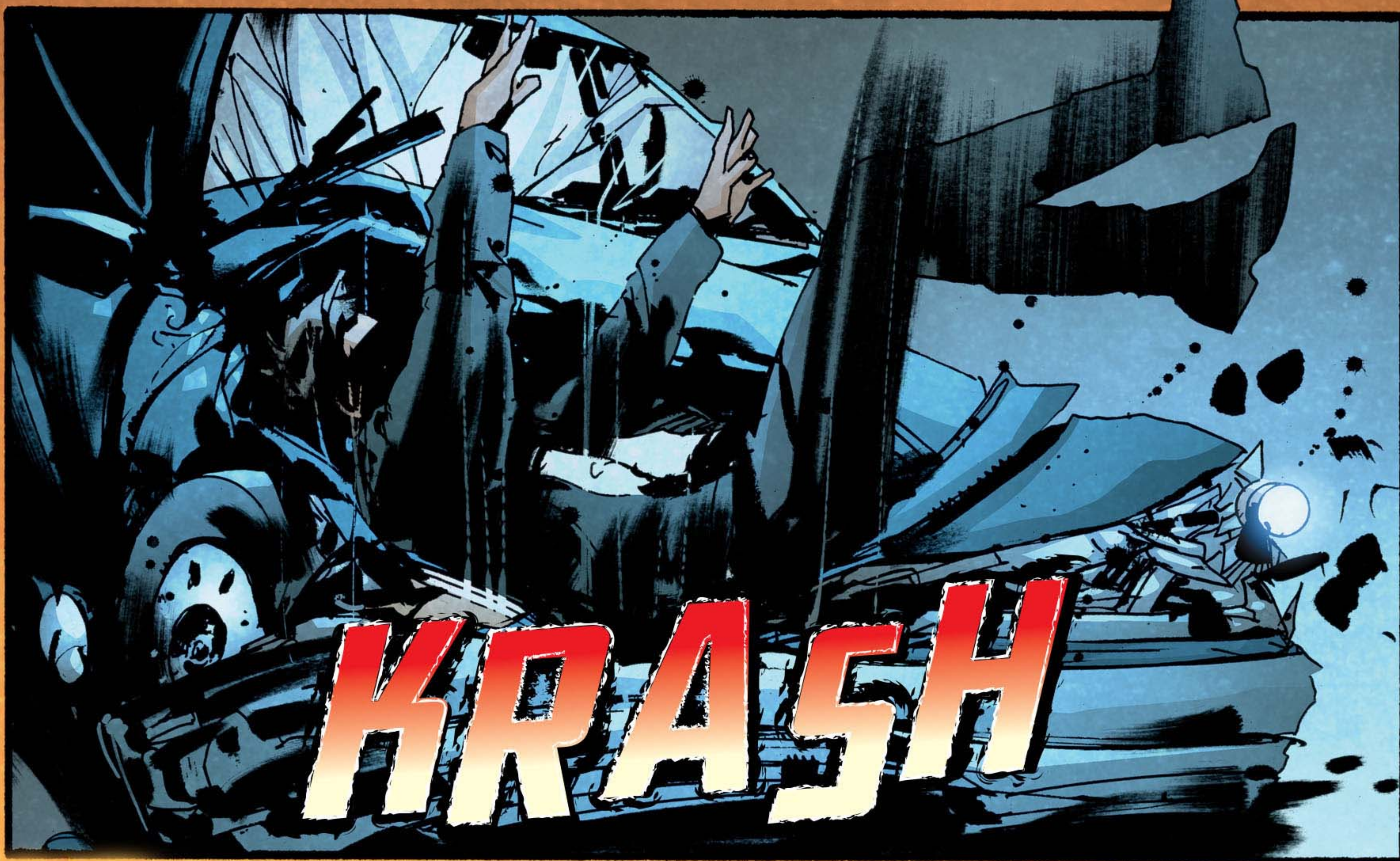
"اینجا چیزهایی هستند که
نقطه قوت شما هستند."

"بروس وینی که می شناسم
و دوستش دارم."

بعد از
وقفه ای کوتاه
دوباره
برمی گردیم..

"آیا تحت
پوشش هستید؟
تحت پوشش واقعی؟
در سیستم اولویت های
گاتهام ما کنار شما
هستیم."

"پس ما تمامی
سیاست ها
رو برای همشهریان
گاتهامی پیشنهاد
کردیم، حتی..."



پس از این ماجرا.

قربانی
کسی نیست
جز بروس
وین.

دوباره.





دلیل مرگ
سقوط از
ارتفاع.



به سه شنبه
در گاتهام خوش
اومدی.

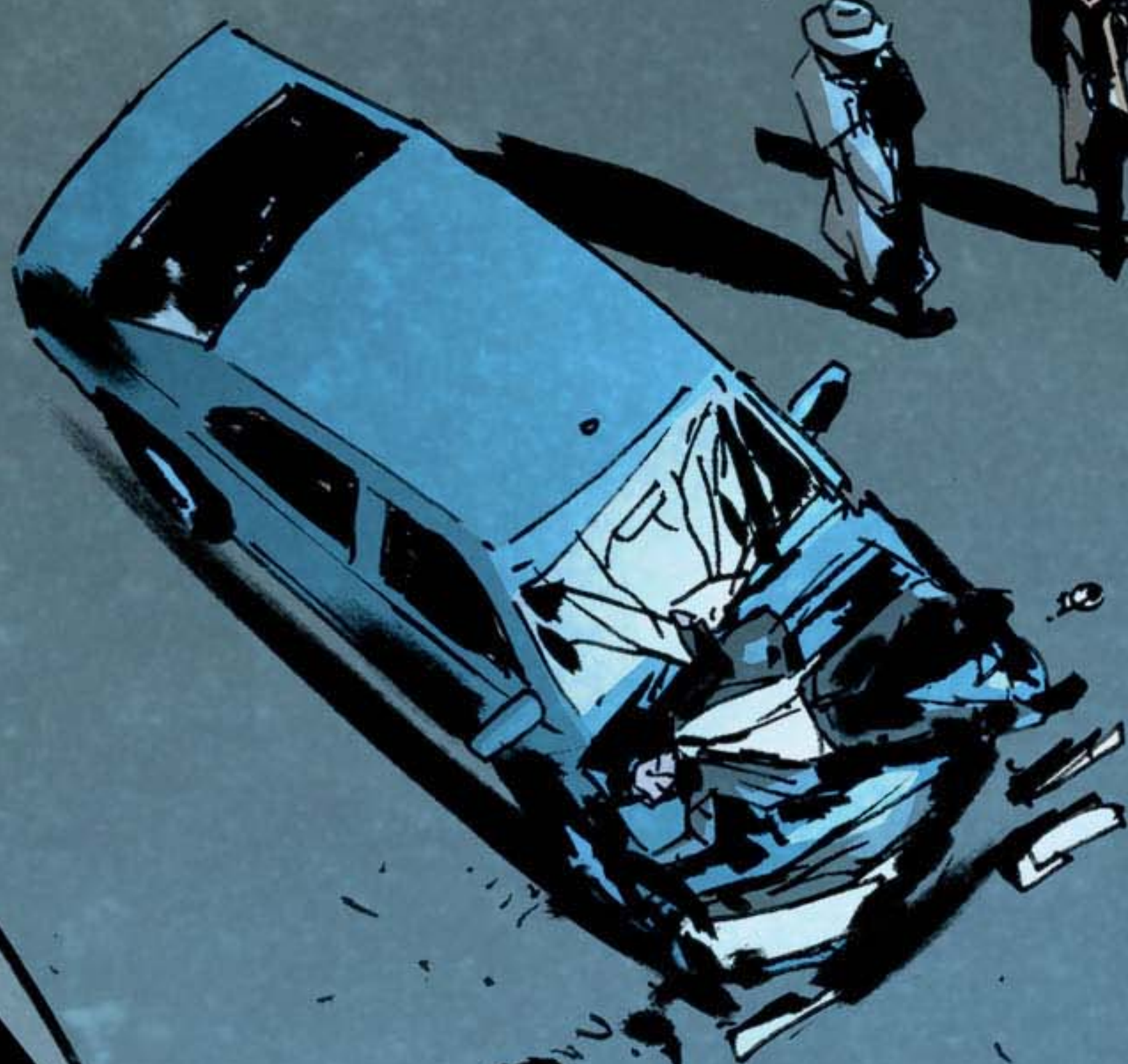
نکته اصلی
اینه که با توجه
به ارتفاع ساختمان های
این اطراف ارتفاع
احتمالی برای این
مورد غیر
ممکنه...



اون یکی
نوعی ساختار سلولی ناپایدار
داشت... چیزی مثل ماده
تاریک؟ این هم احتمالاً
همینطوریه. چه اتفاقی
داره می افته؟

این بروس
وین ها... آخرینشون...
اونی که کنار خانه های
متحدالشکل پیدا کردیم
تو سردخونه متلاشی
شد.

شاید از یه بعد
دیگه هستند. مثلاً اینکه
بتمنی که می خنده بروس
وین های بعدهای دیگه
زمانی رو داره از
بین می بره...



...شاید نقطه ای که تو این
دنیا ظاهر می شن همون
نقطه ای که تو دنیای خودشون
به قتل رسیدند. یعنی این
وین رو از ارتفاع خیلی
زیاد پرتش کردند؟

چرا
بروس وین
اینقدر براشون
مهمه... کی
می دونه...

پست...



...می دونی، هیچکس
غیر از من نمی دونه
که هاروی این هفته
مرخصیه و عمل فتق
داره. همه فکر می کنند
که منتظر حکم
مجازاتشه...

ولی باید
بگم تو این حالت
بدل خوب جا افتادی.
با این وضعیت
اوکی ای بتمن؟
به نظر... گرفته ای.

من... خوبم
جیم. من بهتر
می شم. خواهش
می کنم برگردیم
سر اصل موضوع.





در مورد
قربانی
چی
می دونیم؟

هر کدوم از این بروس
وین ها زندگی متفاوتی داشتند.
قبلی متأهل بود و بچه داشت.
این یکی...



...شهر داره.

از تصاویری
که تو کیفشه
به نظر میاد زندگی
شادی داشته. به نظرم
بازنشسته شده
...



...انگار زمانی که محافظش
جیسون تاد مرده. خیلی
محبوب بوده. متن یه
سخنرانی تو جیبشه. مشخصه
که می خواسته قرارداد انرژی
رو که با گاتهام سیتی بسته
بوده جشن بگیره. اوقات خوبی
داشته. حدس می زنم که تو
بالن شخصیش جشن گرفته
بوده که... فرستادنش
اینجا.

پس سؤال
اصلی اینه که چرا
این هیولا بروس وین ها
رو از دنیاهای مختلف به
این دنیا می کشونه؟



دلیل هر چی هست موفق بوده.
تا حالا شکست خوردیم. این زخم
رو ببین. این لکه خونه یا
نمونه ای از بافت؟

می تونسته
از جسد دیگه
گرفته باشه.

HH...

چی؟

سلول های خون
قلب از جمله سلول هایی
هستند که خیلی دیر از بین
می رن. از این سلول ها
چیزی می سازه... نوعی
سرم.

چجور
سرمی؟

اون اهل قلمرو
ماده تاریکه، جایی که تو اون
همه چیز نسبت به امیدها و وحشت های
ما تعریف می شه. احتمال داره که داره
چیزی رو خلق می کنه که با
ماده تاریک سلول های ما رو آلوده
می کنه تا ما رو به چیزی
تبدیل کنه که..

به کابوسی
مثل خودش؟

کابوس هایی
مثل خودمون.
تاریک ترین تصویر
از خودمون.
شکارچی...



بتمن،
گوش کن...یه چیزی
هست که باید بهت
بگم. کسی هست که شاید
بتونه کمک کنه، ولی...
مطمئن نیستم...

صبر کن
هارو؟

هارو، تویی؟
همه فکر می کردیم به ساخت
پل و تونل مشغولی! گوش کن
بعضی ها از چیزهایی که چند
روز پیش گفتی دارند یه
استخر می سازن...

سه تا
سطل شده...



سطل اول،
این شوالیه غمگین خفاش
رو داره شکست
می ده.



سطل دوم،
اون که می خنده
داره خفاش رو به
زانو در میاره. سطل
سوم...



ما داشتیم
در مورد یه پرونده
#@%\$#! صحبت
می کردیم، دانشجوی
افسری... ولی مهمه...
سطل سوم
چییه؟!

هارو... منظورم
کار آگاه بالوک
منظورم این نبود
که...

سطل
سوم چییه؟!
به من بگو، اه؟!



مشکلی نیست
گروهیان. برگرد
سر پست.

من... متاسفم کمیسر... دیروز بود که اون داشت در
مورد ساختن یه استخر صحبت می کرد و اینکه خفاش
اینبار چطور سقوط می کنه...

اینکه داره پیر
می شه و شهر در
حال تغییره و ...



ولی در مورد
تو... اینا چی بودند
گفتی؟ اگه اتفاق بدی
برات افتاده به من بگو. من
این موجود رو می شناسم.
اون خیلی سرسخته
ولی اگه با هم باهانش
رو برو بشیم، مثل چیزی
که گفتی... مثل قضیه
سه شنبه در
گاتهام می شه.

ولی شاید
غیر از من نسبت
به بقیه بیشتر
طرفدار تو باشه.
اون... همینطوره.

ببین، من
از این موضوع
متاسفم. هاروی
بعضی وقت ها
تو را تحقیر می کنه
تا افراد حس بهتری
داشته باشند.



این یه
نقشه قدیمی
گاتهامه.

مهم نیست.
بیا اینجا. بای
یه چیزی بهت
نشون بدم.

هیچکس
فکر نمی کنه...

تا جایی
که آدم دیگه ای
به اسم وین
نباشه.

"یکی از این نقشه ها تو برج وین هم هست."

"وقتی گاتهام ساخته شد، خانواده مؤسس اون رو به چشم موتور کشور می دیدند. مرکز فرهنگی، فرهنگی و اخلاقی کشور."

"در سال ۱۹۸۰ طاعون یک سوم ساکنان شهر رو از بین برد و خانواده های مؤسس به این موضوع فکر کردند که چیزی که از نظرشون قلب کشور بوده، ممکنه وسیله ای برای شیوع بیماری بشه."

"آنها سوگند خوردند که هرگز اجازه ندادن به منشأ تاریکی بدل بشه."

اونها سیستمی رو اجرا کردند بنام آخرین خنده. بر اساس معنای اصلی این اصطلاح.

یک سیستم دفاعی که توسط اون گاتهام در برابر گسترش هر عامل نامطلوب ایمن می شد.

چه نوع سیستمی؟

وسیله ای که با انفجار ورودی ها و تزریق منابع قضایی و آب که زیر خیابان ها قرار داره، بتونه شهر رو نجات بده. وقتی با "جغدها" می جنگیدم اینو فهمیدم.

به نظرم ایده بدی نیست.

خب، وقتی آخرین جوکر حمله کرد، تصمیم گرفتم آخرین خنده خودم رو بسازم.

"این سیستم آخرین سد دفاعی در برابر حملات شیمیایی و میکروبی به شهره. راهی برای ایزوله کردن شهر و تصفیه آب و هوا و احیای بهداشت گاتهام بصورت مستقله."

"مرکز انشعاب اصلی اون تو برج وین قرار داره در بالاترین طبقه امن. چندین مرحله شناسایی دی ان ای برای تشخیص هویت لازمه..."

"بذار حدس بزنم، حتماً تنها افرادی که به اون دسترسی دارند تو... و بروس وین هستید."

کیه؟ سلام، کی اونجاست؟ نگهبان های دیکه باید گفته باشند که کسی اجازه ورود به این بخش رو نداره غیر از...

قبلاً به نگهبان های دیکه سلام کردم، بیل. از دیدنت خوشحالم!

از اینکه صداتونو می شنوم خوشحالم آقای وین.

بالا
می رید؟



ها.
همیشه
بیل،
همیشه.



حالت چطور؟
نوه ات حالتش خوبه؟
خودت سلامتی؟

BLEEP

دی ان ای
تشخیص داده شد.



عصای جدیدم
خوب کار می کنه.
نمی دونم چطور ازتون
تشکر کنم جناب وین.
نه تنها برای جراحی،
برای همه چی.

اوه، بی خیال.
تو در حمله مترسک
مجروح شدی، در زمان
انجام وظیفه.



این کارو
به من دادید و
هزینه درمانم رو
هم پرداخت
می کنید...



حداقل کاری
بود که می تونستم
برات انجام بدم.



**CHING
CHING**



نه، اینطور
نیست.

فقط می خوام
بگم...



THINK

SLASH

WAK

SLUCE

سه، دو
یک...



بس
کن!

پس حالت
خوبه.

خدای من، خیلی
سریعه. از من سریعتره.

ولی من
قویترم.

من با ترکیبی از سبک ها
حمله می کنم که قدرت رو زیاد
می کنه...

...ولی وقتی جاخالی می ده
مشخصه که..

...همه چیز رو
پیش بینی می کنه...

...ولی این رو هم
پیش بینی می کردم.

از زمان آخرین جنگم
با اون خیلی آموزش
دیدم.

تکنیکی رو
یاد گرفتم که
اون نمی دونه.

چون
ابداعی
خودمه.

کافیه!

آلفرد اسم این روش رو
گذاشته بم پو. فکر کنم به انتخاب
هوشمندانه است، ولی به نظرم
آلفرد نحوه گفتنشو می پسندد.

مخصوصاً وقتی به این هیولا
فکر می کنه.



اینجا نقطه
پایان نقشه های
توئه.

بیخیال، شاید همه
این ماجرا نقشه من باشه.
حتی خوابیدم اینجا
بدور از مسیر آتش...

حالا.



BLAM



UNHHHH...

سعی نکن
بلند شی. گلوله تو
سینه ات گیر کرده و
شوکه دهنده خفایش
تو ش فعاله.

"شوالیه غمگین،
حتی گلوله هاش
گلوله شلیک
می کنند.

"مرگبارترین انسان
زنده. اون از خود ماست.
انگار جو چیل اسلحه خودشو
تو کوچه انداخته زمین و
ما ورش داشتیم.

"ولی اون فقط با
اسلحه خوب کار نمی کنه.
نه. تو دنیای خودش صاحب
شرکت های بروس وین
مسلح شده است. چپ های
داخل مسیر یاب ها و فلکه های
داخل سیستم تصفیه آب.

"ممکنه ونت از
پل پرت بشه پایین
و هرگز نفهمی کی
تو رو کشته."



اون خود ماست در جنگ
نهایی، اونو کنار نگه داشتیم.

تو نمی تونی
برنده بشی. اگه
لازم باشه
می کشمت.

منو بکش... چون من خود
تو ام. این حساب نیست؟ پلیت رایگان؟



چیکار
داری
می کنی؟

خودت می دونی که دارم
با استفاده از یه پروتکل خاص
سیستم "خنده آخر" رو غیر فعال
می کنم، بروس. و سیستمی که من
تو دنیای خودم دارم. یه ضمانت
برای از بین بردن اطلاعات
موجود ...



نه... نه
این کارو
نکن!

یه راه برای
از بین بردن ساختمان
بروشی بی خطر. یه انفجار داخلی
کنترل شده. طراحی شده تا زمانی
که کسی داخل ساختمان نیست
اجرا بشه. دهها پروتکل
در اون فعال
هستند...

...چند روز پیش
شوالیه غمگین همه
اونها رو غیرفعال
کرد.



...خواهش
می کنیم این
کارو نکن.



درد داره
می دوئم. درست
مثل شبی که اونها
مردند. من هم
یادمه.

دست پدرمون.
درست اینجا.



پروتکل
نهایی فعال شد.
منتظر تأییده.

لغو کن! پروتکل
رو لغو کن!

شوکر امواج
صوتی رو هم
مخدوش می کنه.
پروتکل نمی تونه
صداتو بشنوه.

می بینم، همه این
نسخه های خودمون رو آوردم اینجا
تا ازشون استفاده کنم... همه اونها از
تو شادترند بروس. اونها در آرامشند.
چون روی شانس تأثیر می گذارند.

بدتر از همه
اینکه تو دست پیرمردی
هستی روی قلب یک
بچه. ضعیف، نرم که از هیچ
چیز نمی تونه محافظت
کنه.

بین تمام نسخه هایی
از ما که در چند جهانی پخش شدند،
تو بدبخت ترین مایی. تو هنوز درک نکردی
چرا، ولی بعداً می فهمی. برای من
برای ما تو مثل یه کابوسی
بتمن. یه جوک بد.

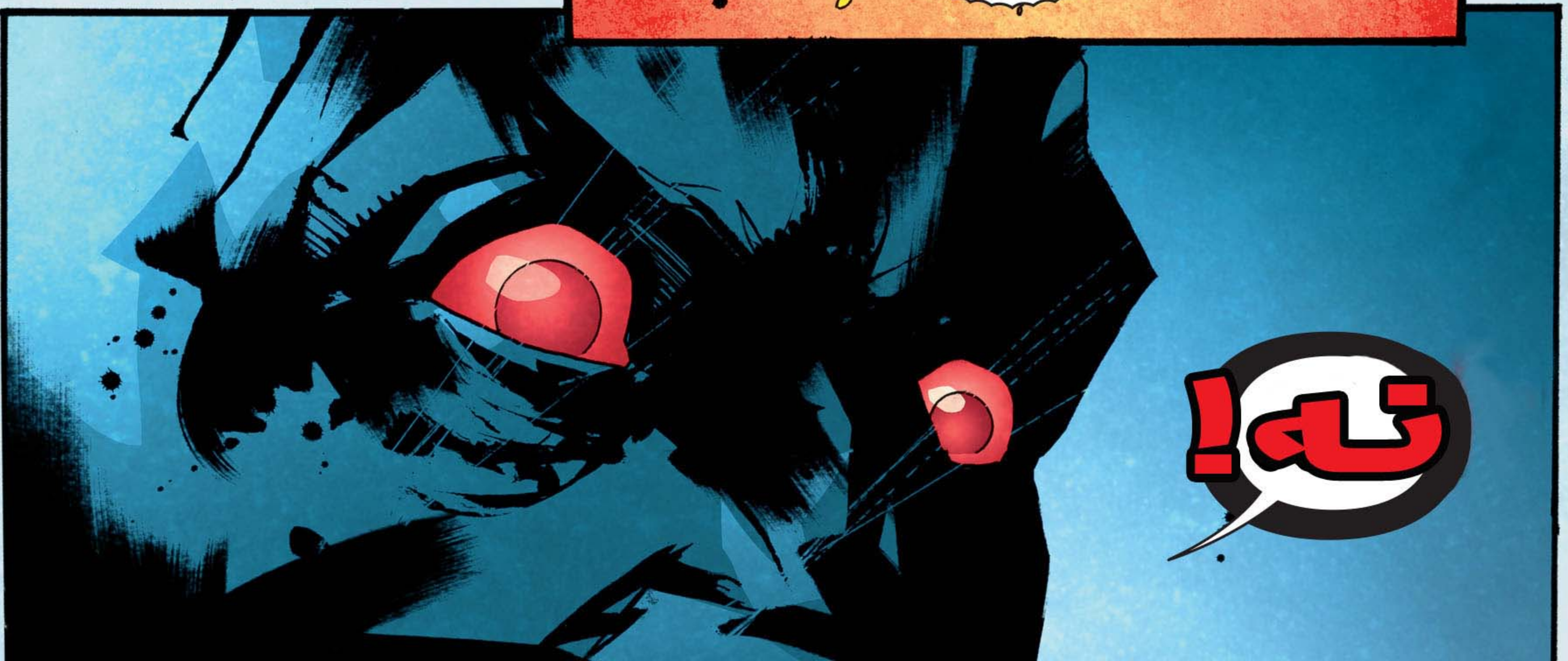


نه...
این کارو
نکن!



ولی من...
من سلاحم.

فروپاشی
شروع شد.



نه!



ده ثانيه تا
انفجار.



می گشمت...

می توئم
در تو حسش
کنم. می دونی.
شانس رو...

...خنده داره. ببین
در دنیای من، من در چنین
زمانی متولد شدم. در همین
چند هفته. حسش می کنی، مگه
نه؟ پایان نزدیکه، نابودی...



...من هم از
این مرحله عبور کردم
تا خودم باشم.

بعداً می بینمت
بروس...



...په
سلامتی تمام
لحظاتی که تو
سینه ات حبس
شدند.



HAHAHAHA



بتمن
تویی؟

پیل...
منو ببر کنار
پنجره... سر بعترا!
بقیه کارو می توئم
انجام بدم...

انفجار شهر رو به لرزه
در میاره.

و بعد....
سکوت.

این
سکوت
مرگبار.

قبل از اینکه
صدای فریادها
شروع بشه.

”بیدارش کن.“





همین الان
بیدارش کن!



داره
مداوا می شه
قربان. ولی هنوز
تحت تاثیر...



همین الان
بیدار شو!

قربان...

گفتم بیدار
شو. چه نقشه ای
داره؟!



اون...

اون
چی؟!



اون چی؟!
چیکار می خواد
بکنه؟
به من بگیدا!

heeeheeeheee!

اون برای نفس
کشیدنشه! قربان اون
نمی خنده! اون اینجا
نیست، اون...

فکر می کنی
این مسئله خنده داره؟
خنده دارو بهت
نشون می دم!

من
اینجام.

تو از
نقشه های اون
خبر داری.
نقشه اش چیه؟!
باید بدونم...

هیی... هییی...
نمی دونم، فقط
یه نفر می دونه...



"اون کیه؟!"

"کی
جوکر؟!"

"دوست... نقطه
ضعف بزرگش. همون
که دقیقاً میار دیش اینجا...
هاهاها!"



شما نباید
اینجا باشید.



می دونم. ولی
موضوع ... مهمیه.

یه هیولا
آزاد داره
می گرده...
من به کمکت
نیاز دارم.

...
چرا
من؟



تو می دونی
لعنتی... ولی
می خواهی از
زبون خودم بشنوی
باشه...



...تو
پسر منی
جیمز.

و احتمالاً
تو تنها کسی
هستی که می تونی
کمکم کنی
متوقفش کنیم.

قسمت بعدی:
آینه های
سیاه